

# روز

## روز

<span><span><span></span></span></span>
چهارشنبه ۱۴ آذر ۱۴۰۳
شماره ۴۲۹۶
<span><span><span></span></span></span>
FARHIKHTEGANDAILY.COM
<span><span><span></span></span></span>
FARHIKHTEGANONLINE

<span><span><span></span></span></span>
<p>روز</p>
<span><span><span></span></span></span>

<span><span><span></span></span></span>
<p>روز</p>
<span><span><span></span></span></span>

<span><span><span></span></span></span>
<p>روز</p>
<span><span><span></span></span></span>

<span><span><span></span></span></span>
<p>روز</p>
<span><span><span></span></span></span>

<span><span><span></span></span></span>
<p>روز</p>
<span><span><span></span></span></span>

<span><span><span></span></span></span>
<p>روز</p>
<span><span><span></span></span></span>

<span><span><span></span></span></span>
<p>روز</p>
<span><span><span></span></span></span>

<span><span><span></span></span></span>
<p>روز</p>
<span><span><span></span></span></span>

<span><span><span></span></span></span>
<p>روز</p>
<span><span><span></span></span></span>

<span><span><span></span></span></span>
<p>روز</p>
<span><span><span></span></span></span>

<span><span><span></span></span></span>
<p>روز</p>
<span><span><span></span></span></span>

<span><span><span></span></span></span>
<p>روز</p>
<span><span><span></span></span></span>

<span><span><span></span></span></span>
<p>روز</p>
<span><span><span></span></span></span>

ارزیابی اولیه ازگفت‌وگوی تلویزیونی رئیس‌جمهور؛ رویکردهای مبهم دولت درچالش‌های کلیدی

# بازی صفر–صفر رئیس‌روی آنتن

تناقض عجیب اما رایج در ادبیات مسئولان کشور این است که هم‌زمان با تکرار اینکه یک زمین سوخته تحویل گرفته و منامی در اختیار ندارند، وعده‌هایی می‌دهند

که نیاز به منابع مادی دارد. این تناقض زمانی نمایان می‌شود که مقام مربوطه پس از دادن وعده زیاجزئیات مالی، زمانی و اجرایی برنامه خود را تشریح نمی‌کند تا نشان دهد خیلی هم جدیتی در اجرای آن ندارد. این رویکرد تکراری آفتی شده که پزشکیان نیز همچون بسیاری از مقامات کشور در گفت‌وگوی تلویزیونی دوشنبه شب به آن دچار شد. گفت‌وگویی که به مناسبت ۱۰۰ روزه شدن دولت هماهنگ شده و دومین تریبون تلویزیونی پزشکیان از زمان انتخابش به‌عنوان رئیس‌جمهور ایران بود. در این گفت‌وگو رئیس‌جمهور ضمن بررسی چالش‌ها و مشکلات کلیدی کشور به تشریح راهکارهای پیشنهادی دولت برای حل این مشکلات پرداخت. ازجمله مباحث اصلی جلسه، وحدت داخلی، مشکلات اقتصادی، فشارهای تحریمی، چالش‌های مربوط به قانون حجاب، ناترازی در مصرف انرژی یا منابع موجود و اجرای طرح پزشک خانواده بود. توجه دقیق‌تر به محتوای این گفت‌وگو نشان می‌دهد رئیس‌جمهور در پاسخ به سؤالات چالش‌برانگیز که از سوی مجریان برنامه طرح شد، نه‌تنها پاسخ‌های صریح و قاطعی نداد، بلکه در بسیاری از موارد به کلیات اکتفا کرد و از دادن توضیحات شفاف و عملی خودداری کرد. این نوع از پاسخ‌ها نه‌تنها کمکی به رفع ابهامات نمی‌کند، بلکه خود می‌تواند به گسترش نااطمینانی و بی‌اعتمادی عمومی دامن بزند. در این نوع نشست‌ها اگر پاسخ‌های شفاف‌ی به چالش‌های کشور داده نشود نه موافقان راضی می‌کند، نه منتقدان و نه در بدنه عمومی مخاطب جدیدی می‌یابد. در ادامه برخی نکات که از فضای این جلسه برداشت می‌شود، تشریح شده است.

■ **تنها نکته مثبت این است که دیالوگ برقرار شد**

اگرچه محتوای جلسه و پاسخ‌های رئیس‌جمهور به چالش‌های اساسی کشور به‌طور کامل بی نتیجه و مبهم باقی ماند اما نکته‌ای که باید به آن توجه کرد، سؤالات خوب و جسورانه مجری برنامه بود. برخلاف جلسات پیشین که در آنها سؤالات معمولاً کلیشه‌ای و سطحی مطرح می‌شد و رئیس‌جمهور هم پاسخ‌های از پیش آماده و تکراری می‌داد، این جلسه به نوعی فضای جدیدی را ایجاد کرد که در آن گفت‌وگو به جای سخنرانی تبدیل به یک دیالوگ واقعی شد. مجری توانست با استفاده از سؤالات هوشمندانه و چالشی، رئیس‌جمهور را وادار به پاسخگویی کند و این کار موجب شد فضایی متفاوت در این نشست ایجاد شود. او به‌طور مداوم با پرسش‌های قوی خود، رئیس‌جمهور را به چالش کشید و از پاسخ‌های سطحی فراتر رفت. این روش در مقایسه با جلسات گذشته که عمدتاً در آنها رسانه‌ها و مجریان صرفاً از دولت پرسش‌های تکراری می‌کردند و تریبونی مونولوگ برای ارائه فرامه می‌آوردند، تحول بزرگی به شمار می‌رود. مهم‌ترین ویژگی این نشست، ایجاد فضایی بود که بیشتر شبیه به گفت‌وگو و تبادل نظر بود تا یک جلسه سنتی و رسمی. در بسیاری از نشست‌ها و برنامه‌های تلویزیونی گذشته، خبرنگاران و مجریان به‌طور معمول از پرسش‌هایی استفاده می‌کردند که در آنها هیچ نوع چالش جدی رای پاسخ‌های رئیس‌جمهور وجود نداشت و همواره جو جلسه به سمت پذیرش پاسخ‌های آماده و رسمی می‌رفت.

■ **جلسات صفر– صفر: بی‌نتیجه و مبهم**

اگر بخواهیم به صورت کلی جلسات این چپینی را ارزیابی کنیم، می‌توانیم

### یوزپلنگ ایرانی همچنان در خطر

# برای یوز ایرانی چه کنیم؟

کمتری به آن می‌شود. در ادامه متن کامل گفت‌وگوی «فرهیختگان» با او را از نظر می‌گذرانید.

■ **مشارکت: راه نجات یوز ایرانی**

روزگاری مردم عادی هم پیگیر وضعیت یوزپلنگ ایرانی بودند؛ امروز اما ظاهراً این تب و تاب از بین رفته است، حمیدرضا میرزاده با اعتقاد بر اینکه اتفاقاً وضعیت امروز از آن روزها بدتر شده، توضیح داد: «ما در حال حاضر با یک وضعیت نامشخص روبه‌رویم. دقیقاً نمی‌دانیم وضعیت یوزپلنگ آسیایی چگونه است، کجا چه اتفاقی افتاده و چند یوز باقی مانده است. تعدادی از آن‌ها شناسایی شده‌اند، اما مسئله اینجاست که پس از برخی از برخورد‌های امنیتی عجیبی که با فعالان محیط‌زیست صورت گرفت، موضوع یوز و زیستگاه‌های آن عملاً به حاشیه رانده شد. این روند طی ۵ تا ۶ سال اخیر شدت گرفته است. از سوی دیگر، برخی اقدامات مدیریتی که باید توسط دولت انجام شوند، به درستی پیش نمی‌روند. دلیل آن این است که این کارها بسیار تخصصی و جزئی‌اند و نیاز به تعداد زیادی نیروی انسانی، افراد خلاق و جوان و پیگیری مستمر دارند، چیزی که از عهده هیچ دولتی نه فقط دولت جمهوری اسلامی ایران، بلکه در هیچ جای دنیا برنمی‌آید. این قبیل امور معمولاً به شکل مشارکتی انجام می‌شود، اما به نظر می‌رسد ما در تعریف و اجرای مشارکت با یک مشکل جدی مواجهیم. سؤال اینجاست که مشارکت دقیقاً چیست؟ حدود و اختیارات دولت در این مشارکت کجاست؟ جامعه در این مشارکت چه نقشی دارد؟ و قرار است به کدام مقصد برسیم؟ متأسفانه این مسائل همچنان مبهم باقی مانده‌اند. یوزپلنگ یکی از بهترین نمونه‌ها برای بررسی این مسئله است؛ چراکه حداقل می‌دانیم که نمی‌دانیم و همین هم جای شکر دارد. این آگاهی نتیجه تلاش‌های جدی حدوداً سه دهه‌ای است که از سال ۱۳۸۰ و حتی کمی پیش از آن آغاز شده است. اکنون، تمام این تلاش‌ها رها شده و در عمل نهاد‌های مدنی، متخصصان و کارشناسان راه مشخصی برای مشارکت ندارند. البته در دوره جدید، سازمان حفاظت محیط زیست تلاش‌های تحسین‌برانگیزی انجام داده است تا مفهوم حفاظت مشارکتی را تعریف، بومی‌سازی و به یک مدل عملیاتی تبدیل کند. این امید وجودی دارد که از طریق این اقدامات بتوان کاری جدی انجام داد. با این حال، اینکه این تلاش‌ها نهایتاً به نجات یوزپلنگ از انقراض منجر می‌شوند یا نه، مسئله‌ای جداگانه است. ما همچنان در این مسئله گیر کرده‌ایم. از



آنها را با اصطلاحی در انگلیسی تحت عنوان «ZERO-ZERO» توصیف کنیم. این اصطلاح به جلساتی اشاره دارد که نه تأثیر مثبتی بر روند تصمیم‌گیری دارند و نه تأثیر منفی، بلکه درنهایت به وضعیت موجود دامن می‌زنند و به هیچ نتیجه مشخصی نمی‌رسند. در این جلسات، پاسخ‌ها نه‌تنها هیچ کمکی به پیشبرد اهداف و اصلاح مسائل کشور نمی‌کنند، بلکه خود می‌توانند باعث تداوم وضعیت نامطلبن و پرابهام موجود شوند.

برای مثال، درخصوص مسئله افزایش قیمت بنزین که یکی از دغدغه‌های جدی مردم و کارشناسان است، رئیس‌جمهور به جای ارائه یک توضیح شفاف و مستند درخصوص سیاست‌های دولت در این زمینه، تنها به اشاره به وضعیت «وخیم» آن بسنده کرد. این نوع از پاسخ‌ها، که بیشتر به بیان یک مشکل عمومی و کلی می‌پردازند، نه‌تنها هیچ راه حل مشخصی را مطرح نمی‌کنند، بلکه موجب بروز انتظارات تومی و نگرانی‌های عمومی می‌شوند. اگر دولت تصمیم به اجرای تغییرات اساسی در قیمت بنزین یا سیاست‌های مرتبط با آن دارد، باید این تصمیمات را به‌طور واضح و با استدلال‌های منطقی و مستند بیان کند.

■ **«در مورد لایحه حجاب ابهام داریم» همین!**

در بخش دیگری از جلسه، رئیس‌جمهور در مورد مسئله حجاب و قانون عفاف به صحبت پرداخت. این موضوع از دیگر چالش‌های مهم و پرتشن در دوران ریاست‌جمهوری کنونی است و دولت نیز بارها اعلام کرده تصمیماتی در این زمینه گرفته خواهد شد. با این حال، رئیس‌جمهور هیچ موضع قاطعی در این زمینه اتخاذ نکرد و به جای آن، به عباراتی مانند «ابهام داریم» و «باید گفت‌وگو کنیم» اکتفا کرد. این رویکرد نه‌تنها به روشنی نشان نمی‌دهد که دولت چه اقداماتی را در نظر دارد، بلکه بر ابهام موجود در این موضوع می‌افزاید و هیچ چشم‌اندازی از آینده این قانون به مردم ارائه نمی‌دهد.

قانون حجاب یکی از موضوعات حساس در جامعه ایرانی است که هرگونه

ارزیابی اولیه ازگفت‌وگوی تلویزیونی رئیس‌جمهور؛ رویکردهای مبهم دولت درچالش‌های کلیدی

# بازی صفر–صفر رئیس‌روی آنتن

■ **برای مشکلات اقتصادی کارشناس داریم راهکار کارشناسی نه**

موضوع بعدی که رئیس‌جمهور در این نشست به آن اشاره کرد، ناترازی‌های اقتصادی و مشکلات کلیدی اقتصاد کشور بود. رئیس‌جمهور در این زمینه اعلام کرد برای حل این مشکلات از نظرات استادان و نخبگان استفاده خواهد شد. اما این جمله بیشتر به یک شعار شباهت دارد تا یک راهکار عملی و اجرایی. هیچ توضیحی در مورد اینکه چگونه قرار است این نخبگان و استادان وارد میدان شوند و مشکلات حل شود، ارائه نشد. این نوع پاسخ‌ها تنها به کلیات اشاره می‌کنند و هیچ عملیاتی در پی ندارند. مشکلات اقتصادی کشور به‌ویژه در حوزه ناترازی‌های مالی، به اقدامات سریع و مشخص نیاز دارند اما رئیس‌جمهور هیچ برنامه اجرایی برای این چالش‌ها ارائه نداد. در شرایطی که کشور با بحران‌های اقتصادی متعدد روبه‌رو است، انتظار می‌رود دولت برنامه‌های روشن و مشخصی را ارائه دهد.

■ **پول نداریم اما یک‌ساله مدرسه می‌سازیم!**

در مورد آموزش و مدارس، رئیس‌جمهور اظهار داشت دولت در نظر دارد تا تمامی مدارس مورد نیاز کشور را در عرض یک سال و با مشارکت مردم بسازد. این اظهارات نیز بیشتر شبیه به یک وعده بزرگ است تا یک برنامه عملی و قابل اجرا. ساخت مدارس به همراه برنامه‌ریزی‌های آموزشی نیازمند منابع مالی مشخص، کارشناسان متخصص و یک زمان بندی دقیق است اما رئیس‌جمهور به جای ارائه جزئیات دقیق درباره چگونگی اجرای این طرح، تنها به بیان یک وعده کلی بسنده کرد. این نوع وعده‌ها در شرایطی که بنا به اظهارات خود رئیس‌جمهور دولت در مسائل مالی و ساختار آموزشی با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو است، نمی‌تواند به مردم اطمینان بدهد. دولت باید برنامه‌ریزی دقیق و منابع مالی مشخصی برای چنین پروژه‌هایی داشته باشد، در غیر این صورت، این وعده‌ها تنها به یکی دیگر از طرح‌های ناتمام و بی‌نتیجه تبدیل خواهند شد.

■ **بازی تکراری با وعده پزشک خانواده**

مسئله دیگری که رئیس‌جمهور به آن اشاره کرد، طرح پزشک خانواده بود. رئیس‌جمهور در این باره صحبت‌هایی درباره چهار محور این طرح مطرح کرد و گفت که در این طرح هیچ ایرانی از خدمات درمانی محروم نخواهد شد و همه اقشار جامعه خدمات برابر دریافت خواهند کرد. اما این طرح با چالش‌هایی جدی مواجه است که نیازمند برنامه‌ریزی دقیق، منابع مالی و توانمندی اجرایی است. همین چالش‌ها باعث شده تا این طرح آرمان‌گراییه یک بار در دولت روحانی به شکست بینجامد. مردمی که یک بار شکست ایده پزشک خانواده را دیده‌اند با این پیشینه ذهنی منفی اکنون با شنیدن وعده‌ای دیگر در این باره طبعاً تلقی مثبتی از اظهارات رئیس‌جمهور نخواهند داشت مگر اینکه این بار پس از تکرار وعده پزشک خانواده تفاوت‌های آن با جزئیات طرح قبلی و راهکارها برای جلوگیری از شکست مجدد آن تشریح شود. رئیس‌جمهور در این زمینه اما هیچ توضیحی درخصوص چگونگی تأمین منابع مالی و زیرساخت‌های لازم برای اجرای این طرح نداد. یکی از مشکلات اساسی در طرح‌های ملی اینچنینی، تأمین بودجه و منابع مالی است که در این نشست، هیچ اشاره‌ای به آن نشد. در نتیجه، این طرح نیز مانند بسیاری از طرح‌های دیگر دولت، در حال حاضر در مرحله وعده باقی مانده است و به نظر می‌رسد دولت هنوز به یک راه حل شفاف و اجرایی برای آن دست نیافته است.

<span><span><span></span></span></span>
<p>روز</p>
<span><span><span></span></span></span>

بلکه نشانه‌ای از تخریب و فشار بیش از حد بر زیستگاه‌هاست که نیاز به برنامه‌ریزی و اقدام جدی‌تر دارد.»

■ **گاهی هم لازم است کاری نکنیم**

یکی از مهم‌ترین سؤالاتی که در زمینه حفاظت از زیست‌بوم‌ها مطرح می‌شود، چگونگی اقدامات عملی است. میرزاده در پاسخ به این سؤال گفت: «مسئله اصلی این است که مشارکت در حفاظت از گونه‌ها، از جمله یوز آسیایی، نباید به اشتباه به معنای الزام همه افراد به انجام اقدامات عملی خاص تلقی شود. اشتباهی که گاهی مرتکب می‌شویم این است که می‌گوییم «آقا، مردم به هوش باشید؛ یوز در حال انقراض است، بایدید کاری کنید» این رویکرد لزوماً صحیح نیست، زیرا مشارکت اشکال مختلفی دارد و برای همه افراد به یک شکل تعریف نمی‌شود. برای برخی، مشارکت ممکن است در حد آگاهی و پذیرش این واقعیت باشد که یک گونه در معرض خطر انقراض قرار دارد. حتی اگر این آگاهی منجر به اعتراض به اختصاص بودجه به این گونه نشود و فرد تصمیم بگیرد از انتشار پست‌های منفی در این خصوص خودداری کند، این خود نوعی مشارکت مثبت محسوب می‌شود. در عین حال، مشارکت‌های تخصصی نیز وجود دارند. برای مثال، اگر شما یک کارشناس یا صاحب یک کارخانه هستید، ممکن است توانایی‌دک نیازخوب زیستگاه، مانند فنس‌کشی جاده‌ها را برطرف کنید. این‌ها نمونه‌هایی از مشارکت‌هایی‌اند که می‌توانند تأثیر مستقیم داشته باشند. اما مشکل اصلی ما همچنان تعریف نادرست و ناقص از مفهوم مشارکت است. نکته دیگر این است که مهم‌ترین تهدید برای هر گونه‌ای، تخریب زیستگاه آن است. وقتی زیستگاه تخریب می‌شود، جمعیت آن گونه به تدریج کاهش یافته و به سوی انقراض می‌رود. در مورد یوز آسیایی در ایران، یکی از تهدیدهای بسیار جدی، تصادف‌های جاده‌ای است. طی ۲۰ سال اخیر، حدود ۲۰ یوز در تصادف‌های جاده‌ای جان خود را از دست داده‌اند. علاوه بر این، قاچاق نیز یک تهدید جدی است. نمونه‌هایی مانند مادر پیروز، که قربانی قاچاق شد و از طبیعت جدا شد، یا کوشکی و دلبر، که هر دو قربانی قاچاق بودند و بعدها به محیط زیست بازگردانده شدند، نشان‌دهنده عمق این مشکل است. این موارد در نهایت برای برنامه‌های تکثیر در اسارت به کارگرفته‌شدند. اما ریشه مشکل همچنان پابرجاست. در نهایت، باید توجه داشت که اصلی‌ترین چالش، تعریف و درک صحیح مشارکت است. این موضوع کلیدی‌ترین مسئله‌ای است که باید برای حفاظت از گونه‌های در خطر انقراض و زیستگاه‌های آنان، به‌طور جدی مورد توجه قرار گیرد.»